

یکشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۴ وطن امروز شماره ۴۳۸۸
فرهنگ وهنر
به عبارت دیگران

کاتولیک تر از پاپ!

می‌گویند یک یهودی در همدان مسلمان شده بود. بعد خیلی به آداب اسلام پایبند شده بود؛ خیلی زیادا این موجب سوءظن مرحوم آسید عبدالمجید که یکی از علمای همدان بود، شده بود که این قضیه چیست. یک‌وقت خواسته بودش، گفته بود که تو مرا می‌شناسی؟ گفت: بله. گفت: من کی‌ام؟ گفت: شما آقای آسید عبدالمجید. گفت: من کی‌ام؟ گفت: بله. تو کی؟ من یک یهودی بودم، پدرنام یهودی بودند و تازه مسلمان شدم.ام گفته بود: نکته اینکه تو تازه‌مسلمان که همه پدرانت هم یهودی بودند و من هم سسید و اولاد پیغمبر و ملا و این چیزها، تو از من بیشتر مقدسی، این نکته این چیست؟

من شنیدم که یهودی گذاشت و رفت؛ا معلوم شد حقه زده. یک قضیه‌ای بوده، می‌خواستسته با صورت اسلامی کارش را بکند. تو یهودی‌ها این گونه کارها هست.

سیدروح‌الله موسوی خمینی
صحیفه‌امام جلد ۸، صفحات ۱۴۳ و ۱۴۴

سانسور، قدرت، اطلاعات

در گذشته سانسور از طریق مسدود کردن جریان اطلاعات به اجرا درمی‌آمد در قرن بیست‌ویکم از طریق عوطهور کردن انسان‌ها در سیلاب اطلاعات بی‌اهمیت و نامربوط عملی می‌شود. انسان‌ها واقعاً نمی‌دانند به چه چیزی توجه نشان دهند، و اغلب وقت خود را صرف بحث و بررسی درباره موضوعات فرعی می‌کنند.

در زمان‌های دور، قدرت داشتن به معنی دسترسی به اطلاعات بود. اکنون قدرت یعنی آگاهی بر اینکه از چه چیز از چه اطلاعاتی باید چشم پوشید.

یووال نوح هراری
انسان خداگونه
زهرآ عالی - فرهنگ نشر نو

مردان ما برای این کار کفایت می‌کنند...

لحظات دیدار همان‌طور که از قبل گفته شده بود، کوتاه و رو به پایان بود. در یک لحظه به خاتم حجازی اشاره کردم تقاضای را که در مسیر به ایشان سپردم به سید حسن بگویند بیان کند.

خانم حجازی هم که خود از جنس مقاومت و دنیای مجاهدتهاست و نور مجالس اهل بیتی که پدر مرحوم‌شان در آبادان اقامه می‌کردند از کودکی در جان‌شان نشسته است، خطاب به سید حسن این‌طور گفتند: خواهران‌مان تقاضا کرده‌اند خدمت شما بگویم اجازه بدهید ما در کنار شما، در میان جبهه‌های مقاومت حضور داشته باشیم. ما هم در این راه خدمت بکنیم. ما آماده جهادیم. این توفیق را به ما خواهران‌تان هم بدهید.

آقا‌سید با لبخند و نرمی سخن بیش از بیانات قبلی‌شان تشکر کردند و پاسخی به این مضمون دادند: برادران شما محکم و مقتدر، دشمن را شکست خواهند داد. آنها برای این امر کفایت می‌کنند و ضرورتی برای حضور خواهران‌مان در جبهه‌های نبرد نظامی نیست.

فازنه طاووسی
دیدار با دبیر کل
آروایت‌هایی از دیدار با شهید سیدحسن نصرالله[صفحات ۲۳۷ و ۲۳۸

تفکر مدرن وفراموشی

ذات تفکر مدرن، شکاک و سخت‌پاور است. انسان، مدرن، معنای تقدس و رم‌ز و از غیبی را در ک نمی‌کند و روش «تجربه» را به جای آن نشانده است. در حقیقت، او خود را داور نگرش‌ها می‌داند. در بینش او، ارزش‌ها با هم می‌جنگند و او از میان آنها برای خود حق انتخاب قائل است. طبیعی است که تجربه همه جا پاسخگو نیست. این عدم پاسخگویی، انسان مدرن را دچار اضطراب می‌کند. وقتی انسان «غیب» را انکار کند دچار ترس و واهمه می‌شود. دلهره و ترس ناشی از خلأ در پشتوانه فکری است. کسی که برای سؤالاتش پاسخی نیابد، دچار ناچار است. سوالاتش را به فراموشی بسپارد. بسیاری از شئون اجتماعی در غرب مدرن، به جهت همین فراموشی تولید شده‌اند.

وحید یامین‌پور
ماجرای فکر آوینی
نشر معارف - صفحه ۱۹

مهرویان و بدگویان!

یکی را از علما پرسیدند که یکی با ماهرویی است در خلوت نشسته، و درها بسته، و رقیبان [انگهبانان] خفته، و نفس طالب، و شهوت غالب، چنانکه عرب گوید: **اَلتَّمَرُ یابِغُ وَ التَّلَاطُورُ غِیرُ مَانِعٍ**! خرما رسیده است و باغیان هم مانع نیست. هیچ باشد که به قوت پرهیزگاری ازو به سلامت یماند؟

گفت: اگر از مهرویان به سلامت بماند، از بدگویان نماند!

شاید پس کار خویشتن بنشستن لیکن نتوان زبان مردم بستن

سعدی شیرازی
گلستان سعدی
باب پنجم: در عشق و جوانی، حکایت دوازدهم محمدعلی فروغی
انتشارات امیرکبیر
صفحه ۱۳۶

پیامبر اعظم(ص):

هر کس دوست دارد عمرش افزون و روزش فراوان باشد، به پدر و مادرش صله و احسان کند. این کار او اطاعت خداست و همین‌طور با خویشان خود صله‌رحم به جا آورد.

در سال‌های اخیر مینی‌سرال‌های موسوم به کمدی – رمانتیک در جهان و همچنین در ایران بسیار مورد اقبال قرار گرفته‌اند. سلاله سریال‌های مختلفی توسط‌مهم‌ترین کمپانی جهان در این گونه ژانر ساخته می‌شوند و مخاطبانی از سراسر جهان جذب می‌کنند. یکی از جدیدترین سریال‌ها در این ژانر سریال چهارفصل است که توسط کمپانی نتفلیکس ساخته شده و در ماه اخیر منتشر شده است اما نتیجه‌نهایی جز شکست و آپروریز عایدی چندانی برای نتفلیکس نداشته است. در این نوشتار بر آن هستیم تا نخست نگاهی کوتاه به این ژانر داشته باشیم و سپس با بررسی سریال چهار فصل (۲۰۲۵) علت شکست این سریال برای نتفلیکس را ارزیابی خواهیم کرد.

■ **کمدی – رمانتیک چیست؟**

ژانر کمدی – رمانتیک، با تلفیق طنز و احساسات عاشقانه، یکی از محبوب‌ترین گونه‌های روایی در تلویزیون و سینماست که مخاطبان را به سفری دل‌چسب و سرگرم‌کننده دعوت می‌کند. این ژانر می‌کوشد با تمرکز بر روابط عاطفی، سوءتفاهم‌های خنده‌دار و رشد شخصیتی کاراکترها، فضایی خلق کند که هم قلب مخاطب را گرم کند و هم لبخند بر لب او بیاورد. کمدی – رمانتیک معمولاً با بهره‌گیری از دیالوگ‌های تیز، موقعیت‌های طنزآمیز و لحظات احساسی، تعادلی بین خنده و تأمل برقرار می‌کند. برخلاف کمدی‌های صرف که ممکن است صرفاً به شوخی‌های سطحی بسنده کنند، این ژانر با کوشش در پیچیدگی‌های عشق، دوستی و چالش‌های زندگی روزمره، عمق عاطفی را به طنز پیوند می‌زند. از نمونه‌های برجسته در این ژانر می‌توان به «این ما هستیم» (۲۰۲۳-۲۰۱۶) اشاره کرد که با روایت چند لایه زندگی خانوادگی و روابط عاشقانه، احساسات عمیق را با طنز ظریف و قابل لمس درمی‌آمیزد. این سریال با استفاده از فلش‌بک‌ها و داستان‌گویی غیر خطی، کاراکترهایی خلق می‌کند که تماشاگر با شادی‌ها و غم‌های‌شان هم‌مسیر می‌شود. «عشق مدرن» (۲۰۱۹) نیز با مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه عاشقانه، از روابط عجیب تا عشق‌های ماندگار، با طنزی هوشمندانه و لحظاتی تأثیرگذار، روابط انسانی را با صداقت به تصویر می‌کشد. «والدین» (۲۰۱۰) نمونه دیگری است که با تمرکز بر پویایی‌های خانوادگی، از تنش‌های والدینی تا روابط عاشقانه، طنز روزمره را با عمق احساسی ترکیب می‌کند و مخاطب را به خنده و گریه وامی‌دارد. «داره» (۲۰۰۵) نیز هرچند بیشتر کمدی است با داستان عاشقانه جیم و پم، عناصر رمانتیک را با طنز محیط کار پیوند می‌زند. این سریال‌ها با شخصیت‌پردازی عمیق، دیالوگ‌های هوشمندانه و داستان‌گویی اصیل، استاندارد بالا در ژانر کمدی – رمانتیک ارائه می‌دهند.

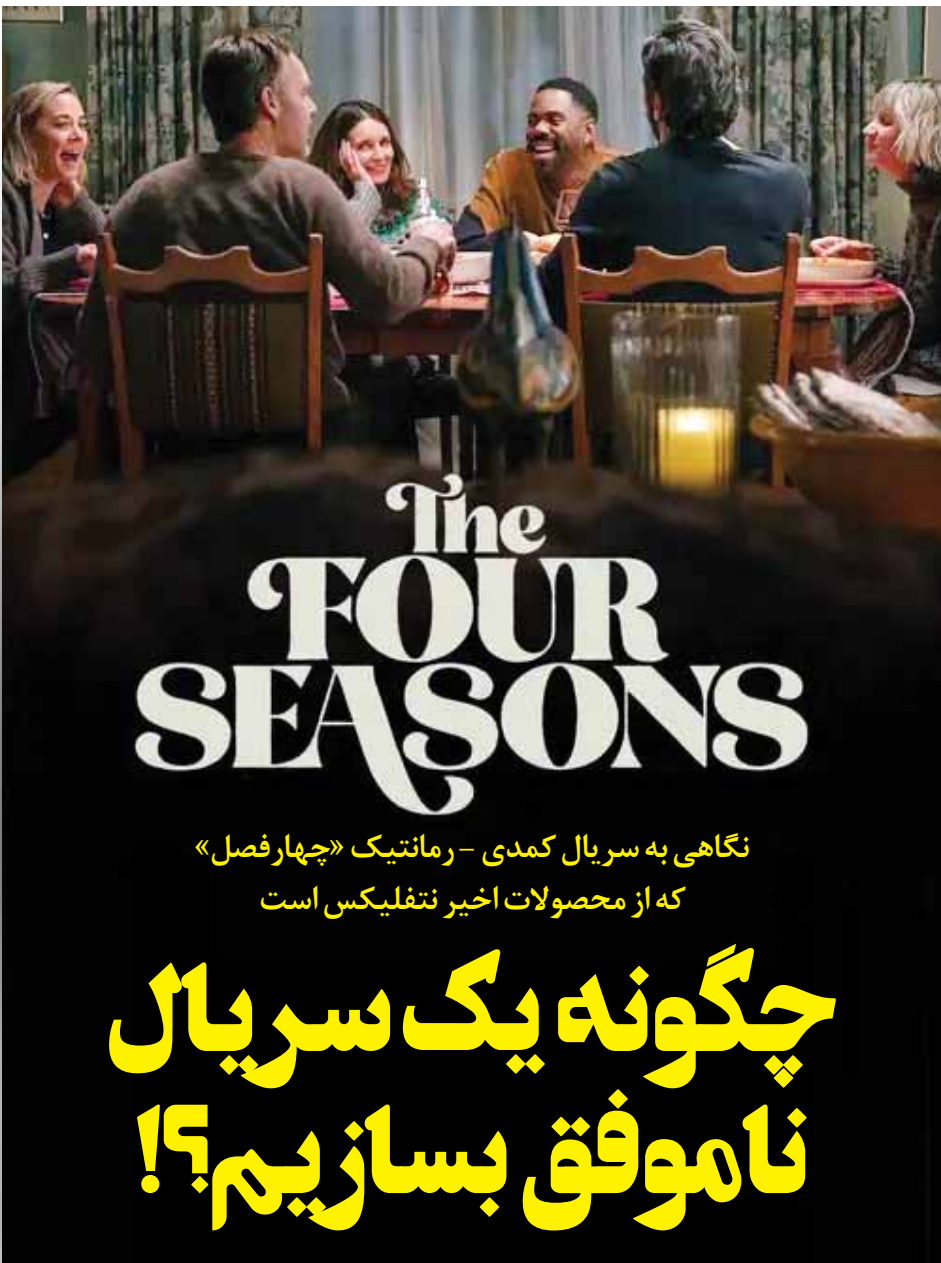
برخلاف چهارفصل که در دام کلیشه‌ها و فقدان عمق گرفتار شده، این آثار با ایجاد ارتباط عاطفی و طنز واقعی، تجربه‌ای ماندگار برای مخاطب رقم می‌زنند و نشان می‌دهند که کمدی – رمانتیک می‌تواند هم سرگرم‌کننده و هم عمیقاً تأثیرگذار باشد.

■ **چهارفصل درباره چه سخن می‌گوید؟**

سریال چهارفصل (۲۰۲۵) به کارگردانی و خلق شده توسط تینا فی، لنگ فیشور و تریسی ویگفیلد، اقتباسی است از فیلم کلاسیک آلن آlda که در سال ۱۹۸۱ ساخته شده‌است. این کمدی – رمانتیک ۸ قسمتی با وعده کاشی عمیق در پیچیدگی‌های روابط میانسانی و دوستی‌های دیرپا، تماشاگر را به سفری در لوکیشن‌های فریبنده تعطیلات فصلی دعوت می‌کند اما آنچه می‌توانست به یک اثر تأثیرگذار و پراحساس بدل شود، در باتلاقی از کلیشه‌های خسته‌کننده، شخصیت‌پردازی‌های سطحی و فقدان اصالت عاطفی گرفتار شده است. در مقایسه با آثار ی چون «این ما هستیم» و «عشق مدرن» که با روایت‌های چند لایه و احساسی خود قلب مخاطبان را تسخیر کرده‌اند، چهارفصل به یک تجربه بی‌روح و ناکام تبدیل می‌شود که حتی حضور ستارگان بزرگی چون تینا فی، استیو کارل و جین کراکوفسکی نیز نمی‌تواند آن را از سقوط نجات دهد. روایت سریال حول محور ۳ زوج میانسال می‌چرخد: بث (تینا فی) و جک (استیو کارل)، کیت (جین کراکوفسکی) و دیوید (ویل فورته) و لورن (مگان استالتر) و مت (کالم ورنی). این زوج‌ها هر فصل در لوکیشن‌های بصری خیره‌کننده –از سواحل اقیانوسخسته کالیفرنیا تا کلیه‌های برفی کلرادو – گرد هم می‌آیند تا روابط خود را در برابر پس‌زمینه تغییرات فصلی طبیعت به یوته آزمایش بگذارند. ایده محوری سریال که از استعاره فصل‌ها برای بازنمایی تحولات عاطفی و شخصیتی استفاده می‌کند، در نگاه نخست نویدبخش به نظر می‌رسد. با این حال، اجرا چنان فاقد عمق و خلاقیت است که این پتانسیل به‌سرت به هدر می‌رود. برخلاف «این ما هستیم» که با استفاده استانه از فلش‌بک‌ها و روایت‌های غیر خطی، لایه‌های

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیر عامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲
تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲
نمابر: ۶۶۴۱۳۱۲۷
info@vatanemrooz.ir
پست الکترونیکی: vatanemrooz@info
چاپ: موسسه جام‌چم برتر
رو یا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰



نگاهی به سریال کمدی – رمانتیک «چهارفصل»

که از محصولات اخیر نتفلیکس است

چگونه یک سریال ناموفق بسازیم؟!

به‌طرز تأسفیاری غایب است. دیالوگ‌ها که انتظار می‌رفت با توجه به سابقه تینا فی در خلق کمدی‌های تیزری چون ۳۰ راک، پر از شوخی‌های هوشمندانه و درخشان باشند، به‌مجموعه‌ای از لطیفه‌های کلیشه‌ای و بی‌مزه درباره میانسالی محدود شده‌اند. شوخی‌هایی درباره کمر درد، اضطراب پیری یا بحث‌های تکراری درباره بازنشستگی نه‌تنها خنده‌ای برنمی‌انگیزند، بلکه گاهی چنان پیش‌یا افتاد‌اند که انگار از یک کمدی درجه ۲ دهه ۸۰ وام گرفته‌شده باشند. برای نمونه، در اپیزود سوم، تلاش برای طنز در گفت‌وگویی درباره انتخاب مقصد تعطیلات به دیالوگ‌هایی بی‌روح منجر می‌شود که حتی بازیگران بااستعداد نیز نمی‌توانند آنها را نجات دهند. به یک معنا سریال عملاً به ملغمه‌ای از شوخی‌های لوس، بی‌معنا و ناموفق بدل شده که در خلق دبیهی‌ترین لحظات طنز هم عمیقاً ناموفق است.

■ **ناکمی در روایت**

از منظر روایت، چهارفصل به طرز فاجعه‌باری ناکام است. کاراکترها چنان در دنیای پررژور و پرِ خودساخته خود غرق شده‌اند که همدلی با آنها به یک عمل غیرممکن تبدیل می‌شود. تعطیلات مجلل، دیالوگ‌های بی‌جان و خطوط داستانی بی‌رقم شده‌اند. زوج جوان تر، لورن و مت، نیز که ظاهراً برای تزریق انرژی به روایت وارد شده‌اند، بیشتر شبیه الحاقاتی بی‌هدف هستند تا شخصیت‌هایی با هویت و عمق. در مقایسه با «این ما هستیم» که هر یک از کاراکترهایش، از رندال یا عمق عاطفی‌اش تا کیت، با دقت و حساسیت خلق شده‌اند، شخصیت‌های «چهارفصل» به عروسک‌هایی مقوایی شبیه است که در لوکیشن‌های لوکس به این سو و آن سو حرکت می‌کنند. حتی عشق مدرن، با داستان‌های کوتاه اما پراحساس خود، موفق می‌شود کاراکترهایی خلق کند که در عرض چند دقیقه تماشاگر را با خود همراه می‌کنند، در حالی که چهارفصل در طول ۸ اپیزود، حتی یک لحظه واقعی و تأثیرگذار خلق نمی‌کند.

■ **فقدان طنز**

طنز که باید روح یک کمدی – رمانتیک باشد، در چهارفصل



آینده رابطه‌شان به‌سرعت با یک راه‌حل سطحی و قابل پیش‌بینی حل می‌شود، بدون اینکه به پیچیدگی‌های عاطفی یا روانی رابطه بپردازد. این در حالی است که «این ما هستیم» با استفاده از روایت‌های چندلایه و فلش‌بک‌های هوشمندانه، هر درگیری را به فرصتی برای کاشش عمیق‌تر در روان کاراکترها تبدیل می‌کند.

■ **زبیبای بصری**

از منظر بصری، سریال با لوکیشن‌های خیره‌کننده و فیلمبرداری خوش‌ساخت خود تلاش می‌کند امتیازی کسب کند اما این زیبایی‌های ظاهری نمی‌توانند جای خالی یک روایت منسجم و کاراکترهای دوست‌داشتنی را پر کنند. تصاویر سواحل اقیانی و کوه‌های برفی، هرچند چشم‌نواز، در خدمت داستانی را نمی‌گیرند که ارزش این شکوه بصری را داشته باشد. در مقایسه، عشق مدرن با استفاده هوشمندانه از لوکیشن‌های ساده شهری، حس و حال واقعی‌تری به داستان‌هایش می‌بخشد و «این ما هستیم» با تمرکز بر جزئیات روزمره زندگی، فضایی خلق می‌کند که تماشاگر را به خود جذب می‌کند. درواقع چهارفصل مملو است از مناظر بصری زیبا که از قضا می‌تواند مخاطب را جذب کند اما پروضاح است که در غیاب روایت مناسب و شخصیت‌های همدلی‌برانگیز در اساس کمدی – رمانتیک را می‌سازد، این تلاش ناکام خواهد ماند.

■ **در اسارت کلیشه‌ها**

چهارفصل در تلاش برای پیروی از کلیشه‌های رایج هالیوودی، به‌گونه‌ای مصنوعی و ششمن‌زنده، شخصیت‌هایی مانند یک کاراکتر سیاه‌پوست و یک زوج همجنس‌گرا را به روایت خود تزریق کرده است. این انتخاب‌ها که ظاهراً برای نمایش تنوع و فراگیری انجام شده‌اند، به جای افزودن عمق به داستان، به نظر می‌رسد صرفاً برای تکی زدن چکلیست‌های هالیوودی گنجانده شده‌اند. شخصیت سیاه‌پوست که احتمالاً برای برآورده کردن انتظار تنوع زیادی طراحی شده، اغلب به حاشیه رانده شده و فاقد توسعه شخصیتی معنادار است، به طوری که حضورش بیشتر نمادین به نظر می‌رسد تا تأثیرگذار. به همین ترتیب، اصرار بر پرداختن به جزئیات رابطه یک زوج همجنس‌گرا به کلیشه‌ای سطحی، قابل پیش‌بینی و تپوع‌آور فرو کشته شده و نقش‌شان در حد یک عنصر تزئینی باقی می‌ماند. چنانکه از اپیزود سوم به بعد عملاً تماشای سریال به امری سخت بدل می‌شود، چرا که باید کلیشه‌های هالیوودی را تحمل کنیم بدون آنکه قصه‌ای را شاهد باشیم.

■ **بازیگران مهم در غیاب قصه درگیرکننده**

مقایسه چهارفصل با فیلم اصلی آلن آlda نیز به ضرر سریال تمام می‌شود. فیلم آlda با دیالوگ‌های تیز، شخصیت‌پردازی دقیق و صداقت عاطفی، تصویری واقعی و تأثیرگذار از روابط و میانسالی ارائه می‌داد اما اقتباس نتفلیکس، با وجود حضور ستارگان، به اثری بی‌روح و بی‌هدف تبدیل شده است. لحظه‌های احساسی سریال که قرار است تماشاگر را تحت تأثیر قرار دهند، به دلیل اجرای بیش از حد نمایشی و دیالوگ‌های مصنوعی، به چیزی شبیه یک ملودرام بی‌کیفیت فرو کشته می‌شوند. برای مثال، در اپیزود پایانی، تلاش برای خلق یک لحظه عاطفی درباره دوستی و گذر زمان به دلیل نبود عمق در کاراکترها، به یک سکانس سست و احساساتی تبدیل می‌شود که بیشتر به تبلیغات تجاری شبیه است تا یک اثر سینمایی. بازیگران سریال، با وجود استعدادی بی‌چون‌وچرای خود، قربانی فیلمنامه‌ای شده‌اند که هیچ عمق یا شخصیت‌پردازی برای آنها نمی‌دهد. تینا فی که در ۳۰ راک باطنز تیز و کاراکترهای چندلایش تماشاگران را مسحور کرد، در اینجا در نقشی گرفتار شده که هیچ فرصتی برای خلاقیت به او نمی‌دهد. استیو کارل که در «داره» نشان داد می‌تواند کمدی و درام را به زیبایی ترکیب کند، در چهارفصل به کاراکتری محدود شده که هیچ چیز جدیدی برای عرضه ندارد. جین کراکوفسکی که معمولاً با انرژی و طنز منحصر‌به‌فردش صحنه را تسخیر می‌کند، در اینجا به حاشیه رانده شده و فرصت درخشش ندارد. این در حالی است که در سریال‌هایی مانند والدین یا این ما هستیم، بازیگران حتی در نقش‌های فرعی نیز فرصت می‌یابند تا کاراکترهای‌شان را به‌یادماندنی کنند. در نهایت می‌توان گفت چهارفصل نمونه بارزی است از شکست در خلق یک کمدی – رمانتیک. این سریال اما اثری است سرد، کلیشه‌ای و بی‌ارتباط با تماشاگر. برخلاف سریال این ما هستیم که با هر اپیزود تماشاگر را به خنده، گریه و تأمل وامی‌دارد، یا سریال عشق مدرن که با داستان‌های کوتاه اما عمیقش قلب‌ها را تسخیر می‌کند، چهارفصل نه خنده می‌آفریند، نه اشک می‌انگیزد و نه تأثیری ماندگار بر جا می‌گذارد. سریال مطلقاً چیزی تحت عنوان، کمدی، رمانتیک، روایت، شخصیت‌پردازی و... در چشمان مخاطب صرفاً بر اساس الگوهای موفق سابق ساخته شده است. سریال مملو است از کلیشه‌های سرسام‌، پند و اندرزهای تکراری و شکوه بصری که پیوسته مخاطب را پس می‌زنند و نمی‌تواند حتی در یک اپیزود ۸ از اپیزود موفق باشد.

سال، بلکه سالیان متعدادی بر کرسی سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی، پولی و بانکی ایران تکیه زده‌اند. آمریکایی‌ها فرزند از دست داده به دلیل ناکارآمدی ژانرس امنیت اضطراری آمریکا می‌داند باید سیاست داخلی و خارجی را از هم تفکیک کند و آنها را مقابل یکدیگر قرار ندهد. سطره فریبنده رسانه‌های اجتماعی و پرستش رسانه‌های مسلط بر جهان آمریکایی سبب شده در برابر متجاوززی که به تعبیر جان بولتون، مشاور سابق امنیت ملی آمریکا، «تصمیمات آتی می‌گیرد»، استاد دانشگاه ایرانی همچنان سوی تقصیر و شماتت را متوجه «مقاومت بومی» کند و بر چیزی تحت عنوان «گشادهای افرایطی که محرک دشمنی‌ها در دگرگیری‌هاست» بتازد. فرادی جنگ ۱۲ روزه که خسارات پرشماری به جا گذاشت و وجودهای ارزشمندی از کودک و نوجوان تا دانشمند و مقام نظامی را گرفت، باید آشکارا درباره علل، زمینه‌ها، آثار و نتایج چرایی حمله رژیم صهیونیستی و آمریکا به ایران نوشت. مهم‌ترین پرسش برای مردم ایران حمله تجاوزکارانه، القای تصویر و گزاره «ایران ضعیف» به جهان بود. اگر این تصویر و ترسیم نبوده، شاید حملات رخ نمی‌داد. آنچه این حمله را تسهیل کرد، هر چه باشد، سیاست‌گذاری ایران در حوزه‌های نظامی، فرهنگی، نییست و اقتصاد، به‌ویژه در زمینه و انگیزه حمله نباشد، دوگانه‌سازی‌ها و دوقطبی‌سازی‌ها حتماً تکمیل‌کننده یا تسهیل‌کننده حمله بوده است.

توانمندی نظامی‌شود. ثانیاً نباید گفت‌وگو با جهانیان در شبکه‌های اجتماعی را که ارزش نداشت. این گفت‌وگو از ناحیه کسانی که به واسطه جایگاهی که دارند، دیده می‌شوند؛ مانند سخنگوی وزارت خارجه، نتوانسته‌اند صدای متفاوت با رسانه‌های رسمی جمهوری اسلامی ایران ارائه کنند؛ مانند بلاگرهای سفر یا موسیقی، اعتبار افزون‌تری می‌یابد. ثالثاً نباید فراموش کرد برای معرفی ایران فقط نباید رسانه را رسانه دانست. موسیقی، فیلم، بازی رایانه‌ای و وب‌وزه ورزش و علم ایران، بلندپذتری از روایت سیاست ایران هستند که می‌تواند همدلی برانگیزاندری و سکوت و بی‌اعتنایی رسانه‌های جهان را بشکنند. رسانه فقط بست و استوری نیست، فیلم سینمایی و مسابقه ورزشی و رتبه علمی هم می‌تواند ایران را از آن چارچوب‌بندی مورد نظری که استعمار می‌خواهد، بیرون آورد.

آمریکایی‌ها تصویر می‌کنند، گره خورده است. ایران در خاورمیانه است و با کلیشه و رن‌گ و شمایل‌ی که غرب می‌خواهد و می‌پسندد، استعمار همچنان ایران را با وجود همه پیشرفت‌ها و دستاوردها و آبادانی و زبست و طراوتش، «بدوی»، «لیچار» و «باغی» تصویر می‌کند. برای به هم زدن این تصویر، اولاً تا جای ممکن باید سراغ تریبون‌های جهانی رفت، با همه استناددرهایی که اتفاقاً تأییدکننده همان برجسب‌هاست. گفت‌وگوهای چالشی و جذاب و در عین حال سخت با رسانه‌های غربی باید در نظم و آرایشی مستمر ادامه یابد و تکثیر شود. نباید اجازه داد خبر از ایران محدود به موضوعاتی مانند مذاکرات هسته‌ای و حتی

۱۲ روزِ ایران در ق‌اب غرب



ایران را ترسیم و تصویر کند. بایکوت مطلق ضربات سهمگین موشکی ایران به مراکز و نهادهای امنیتی رژیم صهیونیستی و کمرنگ‌شدو سناریوهای تغییر حکومت به احتمالات تغییر رفتار تبدیل شد. با پاسخ ایران به حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای فردو و نطنز، صرف نظر از نتایج، اراده ایران برای هدف قرار دادن پایگاه‌های آمریکا به رغم ترور اعضای اتاق جنگش ترسیم شد و موجی از اعتماد را حتی در میان کشورهای حاشیه خلیج فارس